

(۲)

دموکراسی

و

دادگستری

در

ژاپن

کوتار و تاناکا



ترجمه و تلخیص

دکتر محمود سلجوقی

قاضی دادگستری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

همانطور که اشاره شد، قانون اساسی جدید وضع معنوی قضات و دادگاهها را نسبت بقانون اساسی گذشته تقویت کرده است. **قوة قضاییه** بعنوان سومین نیروی حکومت امروزه از استقلال کامل بهره مند و با قوای مقننه و مجریه در يك سطح قرار گرفته است. هر گاه دو قوة اخیر الذکر در دادگستری مداخله کنند، اصل قانونی بخطر می افتد. در اصطلاح قانون اساسی قوة قضاییه حافظ نظم قضایی

و آزادی و عدالت است .

اینک ده سال است که میان قوای مقننه و قضائیه بر سر تفسیر ماده ۶۲ قانون اساسی اختلاف می باشد. در این ماده به دو مجلس دیت اختیار داده شده که نسبت بمسائل دولتی مبادرت به تحقیق کند . آیا این اختیار شامل نظارت در امور دادگاهها نیز می شود؟ بر اساس ماده مزبور هر مجلس دیت هنگام مبادرت ب تحقیق می تواند دستور احضار و استماع شهادت شهود و ارائه مدارک بدهد . بر این اساس در مورد مسئله ای که در یکی از دادگاههای تالی مطرح بود و از حیث کیفر تعیین شده و سایر جهات مورد انتقاد عمومی قرار گرفته بود ، کمیسیون دادگستری مجلس عالی مبادرت ب تحقیق کرد و پیش از اخذ تصمیم نهایی دادگاه ، درباره آن تفسیر نامطلوبی بعمل آورد. در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۴۹ از طرف قضات دیوان عالی نامه سرگشاده ای بامضای رئیس آن دیوان بعنوان رئیس مجلس عالی ارسال گردید . در این نامه بعمل کمیسیون مزبور اعتراض و در آن تصریح شده بود که تنها دادگاههای صلاحیتدار قضایی می توانند درباره درستی آرای دادگاهها و کیفیت دلایل و اجرای مجازاتها مبادرت ب تحقیق کنند و دیت نمی تواند با استناد بماده ۶۲ قانون اساسی خود را دارای چنین صلاحیتی قلمداد کند . بعلاوه چه بسیار رخ داده که یکی از شکات ناراضی در مورد رای که بزبان او صادر شده ، به کمیته تعقیب شکایت کرده و بقانونی که قضات با استناد آن تعقیب می شوند ، استناد جسته است . ولی طرح این قبیل شکایات جز بمناسبت تفسیر اشتباه آمیزی از اسلوب اتهامی مزبور نبوده است . خوشبختانه تاکنون موردی دیده نشده که کمیته مزبور چنین شکایتی را تعقیب کند تا باعث اعتراض قاضی مورد شکایت گردد .

مسلم است که قانون اساسی جدید بقضات دادگاهها اختیارات وسیعی بخشیده است ، ولی مردم برای دادگاهها و کارهای قضایی علاقه ای ابراز نمی دارند . لاقلاً این نتیجه را می توان از مقالات اخیر روزنامه ها که افکار عمومی مردم که برای انتخاب نمایندگان مجلس شورا فرا خوانده شده بودند و در همان زمان نیز می بایست قضات دیوان عالی را انتخاب کنند ، منعکس می ساختند ، استنتاج کرد .

بنظر می‌رسید که اکثریت انتخاب‌کنندگان نه تنها آرایه‌ی را که هر يك از قضاات صادر کرده بودند ، بلکه حتی شخصیت و درجه هوشمندی و تخصص آنها را نیز بفراموشی سپرده بودند . مردم جز بقیمت نیازمندیهای اولیه زندگی ، جیره‌بندی غذایی ، مالیاتها و پذیرش اطفال خود در مدارس فکر نمی‌کنند و نمی‌دانند که حفظ نظم اجتماعی از طریق داد گستری منظم و دادگاهها سنگ زیر بنای يك اجتماع آزاد است . مردم بطور کلی ، جزا دور ، باین انتخابات علاقه نشان ندادند و آرای هر يك از قضاات که بجای قضاات قبلی بر گزیده شدند ، به نسبت يك دهم کل آرا بود . این اسلوب تجدید نظر (در انتخاب قاضی) اینك در معرض انتقادات شدید واقع شده و بسیاری مصراً درخواست اصلاح آنرا می‌نمایند . مع الوصف این نکته غیر قابل انکار است که روش مزبور موجب پدید آمدن رشته‌های روانی میان مردم و دیوانعالی گشته و حیثیت این مرجع عالی قضایی را بالابرده است .

حفظ نظم در دادگاهها و انجام سریع کارها دو مسئله‌اند که باید دادگاهها آنها را حل کنند . قبل از خاتمه جنگ جهانی دوم در تاریخ قضایی ژاپن تقریباً هیچ مورد اخلال نظم دادگاهها در هنگام دادرسی را نمی‌توان سراغ کرد . ولی پس از آنکه این کشور از آزادی بیان ، مطبوعات و اجتماعات برخوردار گردید ، دادگاهها نیز آماج تبلیغات شده‌اند . مقررات اصول محاکمه کیفری ، روشی که از عادت ناشی شده و روانشناسی قضاات عواملی هستند ، که اجازه نمی‌دهند در مورد اشخاصی که می‌خواهند از اصل علتی بودن دادرسی سوء استفاده کنند ، مجازاتهای مؤثری اعمال گردد .

بطوء رسیدگی قضایی بیماری است که تمام دنیا از زمان قدیم به آن دوچار بوده ، در ژاپن نیز این درد مزمن وجود دارد و همه کسانی که دارای شم صحیحی هستند ، می‌دانند که يك امر مدنی کم اهمیت (مثلاً يك اختلاف معمولی در مورد اجاره خانه یا قطعه زمین) هر گاه دعوی تا آخرین مرحله تعقیب شود ، مدت سه تا چهار سال طول می‌کشد تا تصمیم نهایی اتخاذ شود . در مورد پرونده‌های کیفری

نیز هر گاه رای در مراحل بالاتر مورد شکایت قرار گیرد ، مدت لازم برای اخذ نتیجه از این حد کمتر نیست .

روزنامه‌ها بطور عمومی مسئله تأخیر در رسیدگی قضایی را مورد انتقاد تند قرار می‌دهند . هر گاه این وضعیت ادامه یابد ، تقریباً غیر ممکن است عدالت اجرا و حقوق اساسی انسانی که انگیزه تأسیس دادگاهها بوده ، حفظ شود و نمی‌توان انتظار داشت ، دادگاهها از اعتماد مردم برخوردار شوند . هر گاه قضات رویه‌های غیر مؤثر گذشته را ترك نکنند و مانند سابق با تخان راه حلهای تسامح آمیز ادامه دهند ، امید کمی به بهبود وضع موجود باقی می‌ماند . اداره امر عدالت نه تنها مقتضی آنست که قانون مبتنی بر علم قضا بدرستی تفسیر و واقعیت (بمعنای تاریخی آن) جستجو شود ، بلکه باید در اندیشه اداره صحیح امور نیز بود . قضات ژاپن بر حسب سنت دو مسئله اول را مورد توجه قرار می‌دهند ، ولی غالباً برای مسئله سوم اهمیتی قایل نمی‌شوند ؛ باید وجدان قضات را بیدار و آنها را هدایت کرد که این سه امر را با هم مورد توجه قرار دهند . چه برای اجرای صحیح وظایف خویش باید همواره این ضرب‌المثل را بخاطر داشت که «تأخیر در رسیدگی بمنزله استنکاف از احقاق حق است» .

مع الوصف برای تسریع در رسیدگی کافی نیست و وجدان قضات را برای نیل به آن آماده و اراده آنها را تقویت کرد ، بلکه و کلانیز مانند قضات در این امر مسئول اند . هنگامی که و کیلی با اندازه کافی خود را موظف بمراعات مواعد نداند و بیایی تقاضای تجدید وقت کند یا به شهادتهای غیر مفید استناد جوید ، قاضی نیز ، صرف نظر از جهات دیگر ، برای آنکه دادرسی در محیط آرامی جریان یابد ، غالباً احساس رضایت بیشتری می‌کند . از این گذشته بارها دیده شده است که طرفی که در دعوی مدنی محکوم گردیده یا وکیل او ، با علم به عدم توفیق ، صرفاً برای اطاله امر و تأخیر در اجرای حکم ، دعوی خود را بر محل بالاتر می‌کشاند . در ژاپن چون حق الوکاله جزو خساراتی که محکوم علیه باید بپردازد ، نیامده و محکوم علیه می‌تواند بزبان محکوم له ، بدون آنکه خود دچار خطر عمده‌ای گردد ،

مبادرت به پژوهشخواهی نماید ، بنابراین برای آنکه از اغتنام فرصت محکوم-
علیه جلوگیری شده باشد ، باید آرزو کرد از این ببعده حق الوکاله جزوهزینه
دادرسی منظور شود. در دادرسی کیفری نیز همانطور که اشاره شد، بارها دیده شده
که محکوم علیه یا وکیل او بمنظور تأخیر در اجرای حکم مبادرت بشکایت
پژوهشی می کند . در مجموعه های آیین دادرسی مدنی و اصول محاکمات جزا
مقرراتی برای جلوگیری از افراط در شکایت از حکم وضع شده اند ، ولی در
عمل از این مقررات بندرت استفاده می شود. بعلاوه چون در ماده ۳۱ قانون اساسی
مقرر است که هیچ کیفر جنایی جز در صورت انطباق با اصول محاکمات قابل اعمال
نیست ، و کلاً حتی در مورد نقض شکلی که بهیچوجه در نتیجه دادرسی مؤثر نیست،
باستناد نقض قانون اساسی مبادرت بفرجا مخواهی می کنند. در نتیجه این عوامل
تعداد مواردی که اینک در دیوانعالی معلق مانده، بالغ بر چهار هزار می گردد و
دیوان مزبور بدون خستگی برای حل آنها مجاهدت می کند . باید قضات بیاد
داشته باشند که وقت آنها متعلق بخود آنها یا به اصحاب دعوی نیست ، بلکه
متعلق بعموم می باشد و کلاً نیز باید برای تسریع در رسیدگی از هیچ گونه
معاذتی مضایقه نکنند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی